

در شوراهاى اسلامى را بايد در همه جا گِل گرفت

شهلا دانشفر

روز هفتم مهرماه کارگران نیشکر هفت تپه در دومین روز دور جدید اعتصابات خود برای پیگیری مطالباتشان درب شورای اسلامی این نهاد ضد کارگری را بطور واقعی گل گرفتند. در این روز کارگران بعد از تجمع در محوطه شرکت جلوی دفتر شورای اسلامی جمع شدند و با شعار شورای ضد کارگر نمیخواهیم، نمیخواهیم و با گل گرفتن در شورا انحلال کامل این تشکل جاسوسی و دست ساز ضد کارگری حکومتی در هفت تپه را اعلام داشتند. این اتفاق لحظه درخشان دیگری در اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه است و به همه کارگران در سطح جامعه راه نشان میدهد.

نیشکر هفت تپه آینه روشنی از عملکرد ضد

کارگری و ضد مردمی شورای اسلامی است. جمهوری اسلامی بعد از سرکوب اعتراضات درخشان این کارگران در سال ۹۷ و حمله وحشیانه به مجمع نمایندگی آنان و دستگیریه‌ها، با همدستی اطلاعات و حراست و دادستانی پرچم شورای اسلامی را در این کارخانه برافراشت تا بطور نمایشی هم که شده نشان دهد که بر اوضاع کنترل دارد. استفاده از ابزار سرکوب برای تشکیل شورای اسلامی با احضار و تهدید فعالین کارگری به زندان برای تحمیل آن در این شرکت بیش از هر چیز ضعف و استیصال حکومت را به نمایش میگذاشت. بعد هم در تمام این مدت شاهد همدستی کامل شورای اسلامی سرهم بندی شده حکومت با باند مافیایی اسدیگی و نقش سرکوبگرانه و

فعالیت های تفرقه افکنانه آنها در میان کارگران بودیم. در برابر کارگران نیشکر هفت تپه در طول مبارزاتشان به اشکال مختلف مقابل شوراهای اسلامی ایستاده و اعلام کرده اند که این تشکل حکومتی است و ربطی به آنها ندارد و همواره یک بنر اعتراضی آنها در تجمعاتشان در اعتراض به وجود کثیف این نهادهای ضد کارگری بوده است. کارگران نیشکر هفت تپه قبلا نیز در شهریور سال ۹۹ با ارائه طوماری با ۲۰۰۰ امضا به وزارت کار در تهران و اداره کار در شوش بر انحلال فوری شورای اسلامی تاکید کرده بودند.

اکنون در ادامه این کشاکش ها وقتی که کارگران در این هفته دیدند که شورای اسلامی

علیه آنها نامه داده و مشغول توطئه گریهای جدیدی است متحدانه تصمیم گرفتند و در آن را گل بگیرند و در هفتم مهرماه تصمیم خود را عملی کردند.

اتفاقاتی که در هفت تپه روی داد و آنچه بر سر شوراهای اسلامی در این شرکت آمده منحصر به این شرکت نیست. جمهوری اسلامی در برابر سربلند کردن قدرتمند اعتراضات کارگری به ابزار زنگ زده خود شورای اسلامی روی می آورد و کارگران نیز قاطعانه مقابل این سیاست ایستاده و عملاً مهر باطلی بر این نهادهای ضد کارگری و رسوا زده اند. مثال بارزی از آن اتفاقی است که در دی ماه سال گذشته در فولاد اهواز روی داد. قضیه از این قرار بود که

با سر بلند کردن دوباره اعتراضات کارگران فولاد در دیماه ۹۹ و از جمله حرکت اعتراضی آنها علیه مدیران فاسد و بیرون کردن آنها از شرکت، مدیریت مافیایی حاکم بر کارخانه با همدستی خانه کارگریها و اداره کار و حراست دست به کار ایجاد شورای اسلامی شدند تا مانع قدرتگیری دوباره اعتراضات این کارگران و تکرار تجربه نیشکر هفت تپه در این مجتمع سه هزار نفره بشوند. در تقابل با این دسیسه گری ها کارگران طی بیانیه ای اعلام کردند که اجازه نمیدهند که شورای اسلامی در این کارخانه پا بگیرد و در آن بر ایجاد تشکل مستقل و واقعی خود و اتکاء به تصمیم گیری در مجمع عمومی به عنوان تشکل واقعی شان تاکید کردند. بعد هم در روز برپایی نمایش

مسخره انتخاباتی شورای اسلامی متحدانه ایستاده و اعلام کردند که اجازه این بازیها و توطئه گریها را نخواهند داد. و عملاً بساط نمایش انتخاباتی شورای اسلامی در این شرکت را برهم زدند. بدینگونه روز ۲۲ دیماه ۹۹ یک روز درخشان دیگر در مبارزات کارگران فولاد اهواز رقم خورد.

کارگران نیشکر هفت تپه همانطور که با اعلام نظارت شورایی مدیران فاسد همکار با باند مافیایی اسدیگی را از شرکت بیرون کردند، در روز هفتم مهرماه در شورای اسلامی را هم تخته کردند. و آنچه امروز در این مجتمع کارگری شاهدیم، اعمال اراده مستقیم ۵ هزار کارگر از طریق مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی

شان است. بدین ترتیب نیشکر هفت تپه نماد بارزی از قدرت و تصمیم‌گیری شورایی است. از درسها و تجارب کارگران نیشکر هفت تپه باید آموخت.

جدال با شوراهای اسلامی یک عرصه همیشگی مبارزات کارگری و بطور واقعی جزئی از جدال دائمی کارگران علیه سرکوبگری‌های حکومت در محیط‌های کار بوده است. دلیلش نیز به روشنی مکان تعریف شده این تشکلهای حکومتی علیه مبارزات کارگری است. اما امروز تفاوت اینجاست که جنبش کارگری در سیر حرکت بالنده و به پیش خود برای جمع کردن بساط این نهادهای سرکوب از محیط‌های کار خیز برداشته است. یک کانون مهم

چنین جدال قهرمانه ای نیشکر هفت تپه است
و باید آنرا در همه جا تکثیر کرد.

نقش و جایگاه امروز شوراهای اسلامی برای
حکومت

واقعیت اینست که شوراهای اسلامی از همان
ابتدا اساسا در مقابل شکل یابی واقعی و
مستقل کارگری یعنی شوراهای کارگری شکل
گرفتند و نقش مهمی در سرکوب شوراهای و
جنبش کارگری بویژه در همان اوان انقلاب
داشته اند. این تشکلهای دست ساز حکومتی
بنا بر تعریف و همانطور که از اسمشان مشخص
است، تشکلهای ایدئولوژیک اسلامی هستند
که مطابق قانون مصوب حکومت، کسانی حق

انتخاب شدن در آنها را دارند که معتقد به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه هستند و نباید سابقه مخالفت با رژیم داشته باشند، و صلاحیت آنها قبلاً توسط "هئیت تشخیص" که در واقع توسط وزارت کار و مراجع پلیسی انتخاب می شود، تایید میشود. بعلاوه در قانون شورای اسلامی قید شده است که آنها موظفند هرگونه "تشنج و وقایع ناگوار" را به مقامات مربوطه گزارش کنند و وظیفه شان همکاری با مدیریت، بالا بردن تولید و حفظ نظم و انضباط و اخلاق اسلامی در محیط کار تعیین شده است. به این اعتبار شوراهای اسلامی ابزار دست مدیریت و دولت برای جاسوسی علیه کارگران و در خدمت سرکوب اعتراضات کارگری در محیط های کار است. در همین راستا جاسوسی و پیگرد فعالین

و رهبران کارگری و بطور مثال اعمال فشار به زنان کارگر بر سر حجاب و مقررات اسلامی از جمله وظایف آنهاست و کار آنها ایجاد تفرقه در میان کارگران بر اساس مذهب و جنسیت و کنترل اعتراضات کارگری در جهت منافع کارفرمایان و دولت است.

با رشد بالنده جنبش کارگری و پیشروی هایش شوراهای اسلامی نیز هر روز بیشتر به عقب رانده شده و جای و مکان خود را حتی در میان خود حکومتیان از دست دادند. از جمله مزدورن خانه کارگر و شورای اسلامی چی ها بارها از عدم کارآیی خود در عقب زدن مبارزات کارگری سخن گفته و گزارش داده اند. در مقابل ما شاهد جلو آمدن گفتمان شورایی در جنبش

کارگری و در سطح جامعه و بلند شدن پرچم
عملی آن در جایی مثل نیشکر هفت تپه بوده
ایم. در پروسه چنین تحولاتی است که حکومت
اسلامی بار دیگر ناگزیر به ابزار زنگ زده خود
یعنی شوراهای اسلامی روی آورده و در مقابل
تاکید کارگران به تصمیم گیری شورایی، تلاش
میکند که شوراهای اسلامی را علم کند. از
سوی دیگر برافراشتن حتی نمادین پرچم این
نهادهای ضدکارگری اسلامی در محیط های
کار خصوصا در کانون های داغ اعتراضی ای
چون نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و نفت و
... برای حکومت اسلامی که هر روز خود را در
موقعیت تضعیف شده تری می بیند، به نوعی
نشانه ای از اثبات وجود خود و وانمود کردن
به کنترل داشتن بر اوضاع است.

این چنین است که جمهوری اسلامی امروز تلاش میکند با استفاده از چنین نهادهای ضد کارگری ای صف اعتراض کارگران را متفرق کند، در مقابل سازمانیابی بیشتر آنها و قدرت یابی شوراهای سدی باشد و با سرکوب اعتراضات کارگران از طریق این نهادهای ضد کارگری و کمیته انضباطی شان نگذارد اوضاع بیش از این از کنترلش خارج شود. خصوصاً بلند شدن پرچم شوراهای در نیشکر هفت تپه و در کنارش فولاد اهواز همواره زنگ خطری برای حکومت بوده و جمهوری اسلامی همه تلاشش این بود که با استفاده از ابزارش چون شورای اسلامی صف اعتراض کارگران را متفرق کند. در مقابل سازمانیابی بیشتر آنها و قدرت یابی شوراهای

سدی باشد و با سرکوب اعتراضات کارگران از طریق این نهادهای ضد کارگری و کمیته انضباطی شان نگذارند اوضاع بیش از این از کنترلشان خارج شود. از همین رو همانطور که اشاره کردم جمهوری اسلامی در نیشکر هفت تپه بعد از سرکوب اعتراضات قدرتمند سال ۹۷ سعی کرد شوراهای اسلامی را علم کند. سپس در برابر تحركات جدید اعتراضی در میان کارگران فولاد اهواز در سال گذشته تلاش کرد از همین در وارد شود و همین نقشه و سیاست را سعی کرد در همین دور جدید اعتصاب کارگران پیمانی پروژه ای نفت به پیش برد و دیدیم که شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی بیانیه ای تحت عنوان " نگذاریم شوراهای اسلامی به

مراکز نفتی راه یابند“ قاطعانه در مقابل آن ایستاد و از جمله در بخشی از بیانیه آن چنین آمده بود: ”در حالیکه اعتصاب سراسری ما کارگران پیمانی پردوام به جلو میرود مسئولین با عجله به فکر ایجاد شورای اسلامی افتاده اند. با این کار میخواهند کنترل خود را بر مراکز نفتی بالا ببرند و فضا را بیشتر امنیتی کنند. همکاران عزیز باید جلوی این توطئه گری ها را گرفت. ” بدین ترتیب این گفتمان توسط کارگران نفت بسرعت کنار زده شد.

در ادامه چنین کشاکش هایی در سطح جنبش کارگری است که امروز کارگران نیشکر هفت تپه با گل گرفتن در شورای اسلامی تیر آخری بر پیکر این نهاد ضد کارگری زده و در صف

جلوی اعتراض قرار گرفته اند. از تجارب کارگران نیشکر هفت تپه باید آموخت و در شوراهای اسلامی این نهادهای جاسوسی و سرکوب حکومتی را در تمام محیط های کارگری به گل گرفت و بساطشان را از همه جا جمع کرد. جمع کردن بساط شوراهای اسلامی و بیرون انداختن نهادهای سرکوب حکومت چون حراست از محیط های کار قدمی مهم برای کنار زدن موانع سازمانیابی واقعی توده ای کارگری در محیط های کار است.

کارگران نیشکر هفت تپه همانطور که با اعلام نظارت شورایی مدیران فاسد همکار با باند مافیایی اسدیگی را از شرکت بیرون کردند، در روز هفتم مهرماه در شورای اسلامی را هم

تخته کردند. این کارگران بر مجمع عمومی به عنوان محل تصمیم‌گیری جمعی تاکید کرده و حمایت خود را قاطعانه از مجمع نمایندگان اعلام کرده اند. آنها مجمع عمومی و مجمع نمایندگان را تشکل واقعی خود میدانند. بطور واقعی نیز آنچه که امروز در این مجتمع کارگری شاهدیم، اعمال اراده مستقیم ۵ هزار کارگر از طریق مجمع عمومی و تصمیم‌گیری جمعی شان است. بدین ترتیب نیشکر هفت تپه نماد بارزی از قدرت و تصمیم‌گیری شورایی است. از درسها و تجارب کارگران نیشکر هفت تپه باید آموخت.

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام